

تعیین مجازات برای جرایم خشونت خانگی: معیارها چه هستند؟

Photo: IgorVetushko/depositphotos.com

گزارش و بررسی یک پرونده - قسمت اول

* اسفندیار کیانی

در این نوشته به بررسی و تحلیل پرونده‌ای^[1] در حوزه‌ی خشونت خانگی در کشور ایرلند شمالی می‌پردازیم که جزییات آن می‌تواند برای فعالان این حوزه نظیر قضات، وکلا و سایر کنش‌گران، از برخی نظرها جذاب باشد.

در این پرونده (که درباره تعدی به زنی ست - در رابطه‌ی زوجیت با آقای ویلسون - که در سال ۲۰۰۷ مورد حمله‌ی همسرش قرار می‌گیرد)، به مرور سیاست‌ها و رویه‌ی تعیین مجازات برای جرایم خانگی در ایرلند خواهیم پرداخت.

صدمات جسمانی وارده به خشونت‌دیده در این پرونده شامل این موارد است: تعدادی خراش، ضربه به سر و قطع یک شریان که نیاز به چند بخیه برای مداوا پیدا کرده بود.

هر چند بر اساس ادعای شاکی (یعنی زن: خشونت‌دیده در جرم) این مورد آخرین حمله از سلسله حملاتی بوده که همسرش علیه او مرتکب شده، تنها همین مورد اخیر به مقامات (یعنی پلیس) گزارش شده.

طبق سنت در دادگاه‌های کامن‌لا در بریتانیا مبتنی بر سابقه (=precedence) و البته قوانین نوشته، به جرایم کیفری رسیدگی می‌شود.

فرایند رسیدگی به جرایم این‌چنینی، با استناد به قوانین عام مصوب سال ۱۶۸۱^[2] ذیل قانون جرایم علیه فرد آغاز می‌شود.

نکته‌ی دیگر دارای اهمیت این است که خشونت‌گر، هر چند بعداً با قرار وثیقه آزاد می‌شود، این آزادی مشروط به عدم سکونت در خانه‌ی مشترک با همسرش بوده است.

این وضعیت به دلیل وجود خطر بروز دوباره‌ی خشونت و همچنین ملاحظه‌ی همدردی با خشونت‌دیده است که بر اساس آن، شرایط (عام) آزادی، با احتیاط محدود می‌شود.

بعدها، برای مدت زمانی کوتاه، زوجین، یعنی خشونت‌دیده و همسرش، به رابطه‌ی عادی با یکدیگر بازگشتند و در نتیجه قربانی از شکایتش صرف‌نظر کرد.

با این همه، اداره‌ی خدمات دادستانی عمومی ایرلند شمالی (PPS) دستورالعمل ویژه‌ای در مورد رسیدگی به جرایم خشونت خانگی دارد که بر اساس آن، فرایند دادرسی در صورتی که شواهد کافی برای رسیدگی موجود باشد، به‌طور خودکار متوقف نمی‌شود، حتی اگر شاکی از شکایتش صرف‌نظر کرده باشد.

بر همین مبنا و بر اساس اختیاری که مصوبه‌ی دادستانی به دادستان می‌داد، دادستان به تجمیع ادله در خصوص این پرونده پرداخت و مدارک زیر را برای ارائه در دادگاه آماده کرد: متن مکالمه با تلفن ضروری ۹۹۹ در صحنه‌ی جرم (در خانه)، گزارش‌های پزشکی، گزارش مندرج در دفترچه‌های نیروی پلیس، پرونده‌ی جرایم جدی نیروی پلیس، عکس‌های صحنه‌ی جرم و جراحات، توضیحات جنبی و مکمل روایت قربانی، ارزیابی شرایط فعلی رابطه و بالاخره گزارشی تحلیلی از ریسک‌ها و خطرات مربوط به پرونده.

در پایان، دادستان تصمیم گرفت بدون انعکاس اظهارات خشونت‌دیده، فرایند دادرسی را ادامه دهد.

پس از مدتی، زن و مرد موضوع پرونده از هم جدا شدند و زن خشونت‌دیده پس از اطلاع از تصمیم دادستانی، شکایت خود را دوباره به جریان انداخت.

پس از بررسی ادله و مدارک، دادستانی تصمیم گرفت عنوان اتهام و درجه‌ی جرم را از «ایراد «عمدی صدمه‌ی جسمانی به» سبب ورود» صدمه بر اساس نیت سوء^[3] تقلیل دهد.

در جلسه‌ی تفهیم اتهام در حضور دادستان، آقای ویلسون، اعلام (قبول) گناهکاری کرد و به این ترتیب فرایند دادرسی بر اساس بخش بیستم قانون جرایم علیه اشخاص پیش رفت.

در جلسه‌ی استماع در دادگاه، قاضی پرونده در کنار سایر مدارک، در مقابل خود درخواست تخفیف و گزارشی از خشونت‌دیده و گزارشی در مورد عفو مشروط داشت.

حکم دادگاه: « ۸۱ ماه زندان، با تعلیق به مدت سه سال.»

بعد از ملاقات با دادستان ارشد عمومی و شنیدن دلایل تخفیف در اتهام و به تبع آن مجازات، شاکی عدم رضایت خود را از رای صادره به گوش چندین نهادهای عمومی و حقوقی رساند. دادستان عمومی، بنا به آیین دادرسی کیفری در مورد جرایم ذیل قسمت بیستم، نمی‌توانست با استناد بر مبنای ملایمت (leniency) مجازات، درخواست تجدید نظر کند.

بعد از مراجعه به روان‌پزشک، دادخواه از آژانس جبران خسارت ایرلند شمالی (یک نهاد قضایی) در مقابل خسارات وارده، ما به از (compensation) دریافت کرد.

در اعتراضات خواهان، با استناد به مواد شش،^[4] ۸،^[5] و ۱۰^[6] کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است که مجازات تعلیق شده به نحو غیرعادلانه‌ای خفیف‌تر از مجازات جرمی مشابه است که «خارج از رابطه‌ی زوجیت (ازدواج) اتفاق افتاده باشد.

ادامه دارد...

^[1] *Wilson v United Kingdom* (application no. 10601/09, 23 October 2012).

^[2] “causing grievous bodily harm” contrary to s. 18 of the *Offences Against the Person Act 1861*.

این بخش درباره «ایراد صدمه‌ی جسمانی شدید» است، که در آن درجه‌ی بسیار بالایی از عنصر معنوی، یعنی ذهن مجرمانه، فرض شده است و از این رو از فعل ‘cause’ برای توضیح عمل مجرمانه استفاده شده است.

^[3] “maliciously inflicting grievous bodily harm” *Offences Against the Person Act 1981*, s. 20.

تفاوت بین این دو عنوان مجرمانه بسیار فنی و مهم است. برای درک بهتر مفاهیم بنیادین نظام حقوقی کامن‌لا، باید مفهوم سببیت (causation) و سابقه‌ی فهم دادگاه‌ها از سببیت را مورد مطالعه قرار داد. اجمالاً، تفاوت در این مورد در ایجاد فاصله بین علت و معلول است و از این رو درجه‌ی خفیف‌تری از جرم تلقی می‌شود. در اتهام اول، علت مستقیم، نزدیک‌ترین و مسجل، و در اتهام دوم علت دو قسم شده، یعنی خشونت‌ورز منجر به اعمالی شده که آن اعمال منجر مستقیم و غیر آن، به دلیل نیت سو (در مقابل اتهام اول که عنصر روانی، عمد و قصد، در آن کامل است)، باعث صدمه به قربانی شده‌اند. درجه‌بندی علت، نزدیکی (proximity) و مبانی و جزئیات آن، هنر قاضیان در نظام کامن‌لاست.

^[4] درباره حق بر دادرسی عادلانه و مقتضیات آن.

^[5] درباره حق بر احترام به زندگی شخصی و خانوادگی.

^[6] درباره آزادی بیان.

نقش پلیس در کاهش خشونت خانگی

تصور کنید پس از آنکه یک فرد به شما حمله کرده و احتمالا مضروب هم شده‌اید، از پلیس درخواست کمک می‌کنید. به طور طبیعی و منطقی انتظار دارید پلیس به سرعت در محل حاضر شود و از حق شما به عنوان یک بزه‌دیده و قربانی جرم دفاع کند. اولین خواسته شما از پلیس احتمالا نجات دادن از دست فرد مهاجم است. همچنین انتظار دارید پلیس حق شما برای اعلام شکایت از مهاجم را به رسمیت شناخته و در راستای اقامه این حق به شما مدد رساند. احتمالا بدتان هم نخواهد آمد که پلیس با یک برخورد تند و قهری، به نوعی فرد مهاجم را گوشمالی دهد.

حال تصور کنید خلاف تمامی این انتظارات طبیعی، منطقی و معقول، پلیس به جای حمایت از شما و برخورد با فرد مهاجم، شما را مسئول خشونت بداند که دامنگیرتان شده؛ و نه تنها کمکی به نجات شما از دست مهاجم نکند، بلکه تلویحا حادثه را محصول رابطه خصوصی بین شما و مهاجم دانسته و با استناد به آن از انجام وظیفه خود که همان حمایت از بزه‌دیدگان است، شانه خالی کند.

اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.

طبیعتا احساسی که در آن لحظه از رفتار پلیس خواهید داشت برای شما غیرقابل باور و به شدت مایوس کننده و رنج‌آور است، اما خوب است بدانید این احساس برای بسیاری از زنانی که قربانی خشونت خانگی می‌شوند، تقریبا تجربه‌ای همیشگی و ثابت است. این مساله در کشورهایی که در آنها قوانین موضوعه نیز حمایتی از قربانیان خشونت خانگی نمی‌کنند، وخیم‌تر بوده و سالها تفکرات محافظه‌کارانه و مردسالارانه سبب ایجاد رویه‌ای شده که در آن اساسا وقوع خشونت خانگی در روابط خانوادگی امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر بوده و از این رو بهتر است پلیس در آن دخالتی نکند.

تجربه کشورهایی که در آنها خشونت خانگی به عنوان جرمی جدی و خشن مورد توجه قرار گرفته اما نشان می‌دهد نحوه برخورد پلیس با این جرم تا چه اندازه می‌تواند بر کاهش موارد وقوع آن تاثیرگذار باشد. به ویژه اینکه عملکرد صحیح این نیرو نقش به‌سزایی در شکل‌گیری تصور عمومی در زمینه مبارزه با خشونت خانگی داشته و سبب تقویت حس اعتماد و اطمینان قربانیان به پلیس و در نتیجه افزایش موارد گزارش وقوع خشونت خانگی می‌شود. به علاوه، این پیام را به جامعه منتقل می‌کند که خشونت خانگی از نظر این نیرو به عنوان بازوی قهری جامعه به هیچ وجه تحمل نشده و عموم مردم نیز نباید آن را به عنوان اتفاقی ساده و عادی تحمل کنند.

عملکرد پلیس در برخورد با خشونت خانگی

امروزه در بسیاری از کشورهایی که خشونت خانگی در آنها به صورت مستقل و تحت عناوین مشخص جرم‌انگاری شده، قوانین و آیین‌نامه‌های مشخصی نیز در مورد چگونگی عملکرد پلیس در مواجهه با موارد وقوع خشونت خانگی وجود دارد. ضمن اینکه نیروهای پلیس این کشورها به طور منظم تحت آموزش‌های مورد نیاز در مورد چگونگی برخورد با قربانیان خشونت خانگی قرار می‌گیرند.

بر این اساس اولین قدم در مواجهه با وقوع خشونت خانگی، حضور به موقع و سریع پلیس در محل وقوع خشونت به محض اطلاع از آن است.

تجربه نشان می‌دهد از آنجا که به طور کلی خشونت خانگی به عنوان یک جرم دارای ماهیتی پنهان و مخفیانه است (به دلیل وقوع اکثریت موارد آن در محیط خانه)، عدم حضور به موقع پلیس در محل وقوع جرم، سبب از دست رفتن موقعیت قضایی لازم برای حمایت از قربانی خواهد شد. ضمن اینکه این موضوع در عمل موجب جری‌تر شدن خشونت‌گر و مایوس شدن قربانی شده و در نتیجه احتمال وقوع دوباره خشونت از سوی خشونت‌گر و همچنین عدم تمایل برای گزارش آن از سوی قربانی را به شدت افزایش می‌دهد.

حضور سریع و به موقع پلیس اما به‌خصوص در موارد خشونت شدید تاثیر به‌سزایی در جلوگیری از وخیم‌تر شدن شرایط خواهد داشت.

در این زمینه بالا بردن حساسیت نیروهای پلیس به ویژه مراکز دریافت گزارش جرم و اعلام آن به نیروهای عملیاتی (مانند سامانه ۱۱۹ در آمریکا یا پلیس ۰۱۱ در ایران) نسبت به گزارش موارد وقوع خشونت خانگی، معتبر دانستن گزارش وقوع خشونت خانگی از سوی افرادی به غیر از فرد قربانی مانند گزارش آن از سوی همسایگان و همچنین تاکید بر اهمیت این جرم به مانند دیگر جرایم خشن از اقداماتی است که در تعداد قابل توجهی از کشورها از جمله سوئد، دانمارک، کانادا، نیوزیلند و اتریش انجام گرفته و می‌گیرد.

پس از حضور به موقع پلیس در محل وقوع خشونت، دومین گام که در واقع مهم‌ترین اقدام پلیس در این زمینه است، چگونگی برخورد با قربانی خشونت است.

قربانیان خشونت خانگی در بیشتر موارد افرادی هستند که به مدت طولانی تحت خشونتی ویرانگر قرار داشته و به همین دلیل حس اطمینان و اعتماد خود به دیگران را از دست داده‌اند. از این رو تلاش برای جلب اعتماد و اطمینان قربانی به پلیس و ارائه این پیام به او که می‌تواند آزادانه و در ایمنی کامل و بدون ترس از خشونت‌گر، حادثه را برای پلیس شرح بدهد؛ می‌تواند اولین قدم در این موضوع باشد.

بیشتر بخوانید:

دولت‌ها برای مبارزه با خشونت خانگی علیه دگرباشان جنسی چه کرده‌اند؟

حضور وکیل در دعوی خشونت خانگی، الزامی یا اختیاری؟

ایجاد امکان گفت‌وگوی خصوصی با قربانی بدون حضور فرد خشونت‌گر، ارائه تمامی اطلاعات مورد نیاز او در مورد راه‌های قانونی پیش رو و در صورت لزوم، ارائه کمک‌های تخصصی اولیه روان‌شناسی از دیگر اقداماتی است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از قربانی ایفا کند.

در همین زمینه ارائه آموزش‌های مورد نیاز در مورد چگونگی برخورد با قربانیان خشونت خانگی به نیروهای پلیس، آگاهی‌بخشی در زمینه نیازهای اولیه و اساسی قربانیان در لحظات اولیه وقوع خشونت و حضور واحدهای ویژه حمایت اجتماعی در مراکز عملیاتی پلیس، همچنین همکاری تنگاتنگ پلیس با سازمان‌های حمایت‌گر اجتماعی از سیاست‌هایی است که امروزه در راستای افزایش نقش مثبت پلیس در مبارزه با خشونت خانگی و کاهش آن اجرا می‌شود.

چگونگی برخورد پلیس با فرد خشونت‌گر نیز از دیگر مسائلی است که تاثیر فراوانی بر روی امکان وقوع مجدد خشونت از سوی او و همچنین شکل‌دهی تصور قربانیان در مورد گزارش خشونت به پلیس دارد.

البته که در این زمینه، تمامی اقدامات پلیس باید مبتنی بر قوانین بوده و هر گونه اقدام خشونت‌آمیز و غیرقانونی از سوی پلیس، خود محکوم است اما قاطعیت افسران حاضر در محل وقوع خشونت در حمایت از قربانی و جدیت آنان در برخورد با فرد خشونت‌گر در عین رعایت قانون، این پیام را به قربانی و خشونت‌گر می‌رساند که آستانه تحمل پلیس به عنوان نیروی قهری جامعه در برابر فرد خشونت‌گر بسیار پایین بوده و او باید تاوان عمل خود بدهد.

در این رابطه، در مواردی که امکان وقوع خشونت دوباره از سوی فرد خشونت‌گر وجود دارد، برخورد قاطعانه و قهری می‌تواند اولین قدم برای برخورد با او باشد.

تهدید خشونت‌گر به اقدامات قهرآمیز قانونی، اجبار او به ترک محل وقوع خشونت دست‌کم برای چند ساعت و در نهایت بازداشت او از اصلی‌ترین اقداماتی است که پلیس در تعداد قابل توجهی از کشورها انجام می‌دهد.

به عنوان مثال در اتریش پلیس این کشور در موارد وقوع خشونت خانگی می‌تواند راساً و بدون نیاز به دستور مرجع قضایی، الزام به دوری از منزل تا مدت دو هفته را نسبت به فرد خشونت‌گر اعمال کند.

البته روشن است که حمایت مراجع قضایی و قوانین مدون از پلیس در مورد چنین اقداماتی ضروری بوده و در غیر این صورت برخورد پلیس خود می‌تواند سبب ایجاد تنش در جامعه شود.

جدای از این اقدامات که در واقع از وظایف ذاتی پلیس محسوب می‌شوند، امروزه در رابطه با موضوع خشونت خانگی در بسیاری از کشورها پلیس وظیفه آگاهی بخشی به جامعه را نیز بر عهده دارد که در بیشتر موارد عمده این تبلیغات در مورد لزوم گزارش موارد وقوع خشونت خانگی است.

در همین زمینه به عنوان مثال در کانادا، آلمان، اتریش، استرالیا و دانمارک، پلیس این کشورها کتابچه‌های ویژه‌ای در مورد چگونگی گزارش خشونت خانگی منتشر کرده است.

تشویق مردم به فعال بودن در این رابطه و گزارش موارد مشکوک، هشدار به مرتکبان خشونت خانگی مبنی بر برخورد قاطع پلیس و نیز توضیح درباره امکانات و اقدامات پلیس در حمایت از قربانیان از نکاتی است که در این کتابچه‌ها مورد تاکید قرار گرفته است.

نیروی انتظامی و خشونت خانگی در ایران

جدای از عدم جرم‌انگاری مستقل و مجزای خشونت خانگی از سوی قانونگذار در ایران، نحوه عملکرد و برخورد پلیس با موارد وقوع خشونت خانگی در این کشور یکی از دلایلی است که به گواه تحقیقات انجام شده سبب عدم تمایل قربانیان خشونت خانگی به گزارش آن به پلیس شده است.

در همین زمینه پژوهشی که در سال ۰۹۳۱ در تهران انجام شده نشان می‌دهد اکثریت قربانیان خشونت خانگی در این شهر تمایلی به گزارش آن به پلیس نداشته و ترجیح داده‌اند مشکل خود را از راه‌های دیگری حل کنند. (۱)

همچنین بنا بر یافته‌های این پژوهش، اقلیت کوچکی نیز که اقدام به گزارش وقوع خشونت خانگی کرده‌اند از عدم رسیدگی پلیس و به ویژه بی‌اعتنایی و بی‌توجهی پلیس به اظهاراتشان ناراضی بوده‌اند.

ضمن اینکه بنا به گفته‌های دکتر شکوه نوابی‌نژاد، رییس انجمن ایرانی مطالعات زنان در سال ۴۹، به طور کلی تنها ۵۳ درصد از موارد وقوع خشونت خانگی در ایران به پلیس گزارش می‌شود. این در حالی است که با توجه به قوانین کلی جزایی در ایران، در مورد جرایم علیه تمامیت جسمانی و روانی افراد، جرم ارتکاب به خشونت خانگی می‌تواند قابل رسیدگی باشد و بر همین اساس پلیس نیز مطابق قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب سال ۹۶۳۱ موظف به رسیدگی به آن، همانند دیگر جرایم است.

همچنین بر مبنای همین استدلال، نیروی انتظامی ایران موظف است در موارد وقوع فاحش خشونت خانگی با آن به مانند دیگر جرایم مشهود مقرر در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری برخورد کرده و «تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم یا تبانی» انجام دهد.

با وجود این اما در عمل به نظر می‌رسد از آنجا که در ایران وقوع خشونت خانگی موضوعی خانوادگی و تا حدودی «ناموسی» تلقی می‌شود، پلیس ترجیح داده است تا سیاستی مبتنی بر تساهل و تسامح نسبت به این جرم اتخاذ کند. سیاستی که قطعاً عدم وجود قانون مستقل در جرم‌انگاری خشونت خانگی نقش مهمی در گسترش آن داشته است.

-پانویس:

۱. فرهنگ خشونت خانگی علیه زنان با تاکید بر نقش پلیس در کاهش آن، سهیلا صدقی فسایی و آتنا کامل قالیباف، ۰۹۳۱، تهران

ضعف و بی‌عملی پلیس ایران در مقابل خشونت خانگی

Photo: iulianvalentin/depositphotos.com

مهری قاسمی

رئیس سازمان پزشکی قانونی در گفت‌وگو با روزنامه ایران خبر داده که حدود ۰۹ درصد کسانی که از همسرآزاری شکایت می‌کنند، زنان هستند. احمد شجاعی در عین حال از افزایش پنج و هشت دهم درصدی مراجعات درباره همسرآزاری در سال ۶۹ نسبت به سال ۵۹ خبر داده است.

شجاعی گفته است آمار مراجعان همسرآزاری در سال ۶۹۳۱، به ۱۸ هزار و ۹۲۷ نفر رسیده که سهم زنان از این نزاع‌ها، ۷۷ هزار و ۹۵ نفر و سهم مردان چهار هزار و ۰۷۶ نفر بوده است که «قربانی خشونت و آزارهای روحی و روانی از سوی همسرانشان» شده‌اند. (روزنامه ایران، ۳۲ تیر ۳۹۳۱)

روزنامه ایران اما همین گزارش را با تیتراژ «پنج هزار مرد پارسال از زانشان کتک خوردند» منتشر کرد.

انتخاب تیتراژ این گزارش، در حالی که بیش از ۴۹ درصد خشونت‌های خانگی علیه زنان اتفاق افتاده است، تصویری کامل را از انتظار جامعه ایران در مورد خشونت‌های خانگی نمایان می‌کند. گویا که در ایران، کتک خوردن زنان در خانه عادی است و کتک خوردن مردان به کنایه و طنز تبدیل می‌شود.

بیشتر بخوانید:

[تربیت فقهی کودکان و فراهم شدن زمینه خشونت مجاز](#)

[شاید "شیشه پستی" بوده باشد!](#)

[قاضی بیشتر با خشونت‌گر همدل است](#)

عادی سازی خشونت علیه زنان تنها در نحوه خبررسانی رسانه‌ها نیست که پدیدار می‌شود، بلکه در نگاه نهادهای رسمی و حتی پلیس نیز بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز مردان علیه زنان عادی تلقی می‌شود.

از اواسط سال ۵۹۳۱ وزارت بهداشت در ایران شبکه‌ای مجازی با عنوان «سامانه سیب» راه‌اندازی کرد که هدف آن جمع‌آوری تمامی اطلاعات بهداشتی مربوط به مردم بود. [پراساس گزارش‌های رسمی](#)، تا دی‌ماه سال ۵۹۳۱ حدود ۹۵ میلیون نفر در این شبکه ثبت‌نام کرده بودند. این سامانه به مرور گسترش یافت و از تابستان سال ۶۹۳۱ بخشی برای تجمیع مراقبت‌های سلامت اجتماعی از جمله همسر آزاری و مشکلات زنان متاهل را نیز دربرگرفت.

با این همه، تعریف خشونت خانگی در این سامانه چنان است که اگر زنان در قسمت همسرآزاری، میزان ضرب و شتم صورت گرفته از سوی شوهر را گزینه «به ندرت» یا «گاهی» انتخاب کنند، سامانه مزبور این موضوع را «فاقد مشکل» تلقی خواهد کرد.

چندی پیش، یکی از کاربران توئیتر که ظاهراً با این سامانه همکاری می‌کند در این‌باره [نوشته بود](#):

«روانشناس از مرکز استان اومده بازدید بهش می‌گم این سامانه سیب قسمت همسرآزاری اگر در جواب سوال همسران شما را کتک می‌زند، تیک قسمت به ندرت یا گاهی اوقات رو بزنی می‌گه فاقد مشکل. فرمودند این قدر که طبیعیه، همه زن‌ها رو شامل می‌شه.»

کاربر دیگری در همین رابطه [معتقد است](#): «تو سامانه سیب، یه قسمتی داره واسه همسر آزاری، بعد اگه در جواب آیا شوهرت کتک می‌زنی، بزنی به ندرت یا گاهی، نتیجه رو فاقد مشکل می‌ده. فک کنم شوهره باید قشنگ هر روز سیاه کبود کنه که اون عقیباً حال کنن.»

نحوه سیاست‌گذاری «سامانه سیب» وزارت بهداشت ایران درباره میزان «مجاز»! خشونت علیه زنان که ضرب و شتم» گاه و بیگاه «آنان را فاقد مشکل می‌بیند، باید سیاست کلی حکومت در ایران نیز دانست. همین سیاست موجب بی‌تفاوتی پلیس در مواجهه با بسیاری از گزارش‌های خشونت خانوادگی شده است.

نویسندگان گزارشی که در سال ۱۹۳۱ منتشر شد و درباره نقش پلیس در فرهنگ خشونت خانگی تحقیق کرده بودند، معتقدند: «واقعیت این است که اقلیت کوچکی از زنان که به جست‌وجوی کمک از سازمان‌های رسمی یا افراد مسئول رفته‌اند نیز بیش از پیش به ماهیت مردسالارانه روابط درون جامعه پی برده‌اند. پلیس نه تنها علاقه‌ای به درگیر شدن در این مسائل ندارد، بلکه بر طبق مصاحبه‌ها، بیشتر حامی متهمان بوده تا قربانیان و با زنان خشونت‌دیده با پیش‌داوری و بدرفتاری برخورد کرده است.»

نویسندگان این تحقیق به عنوان نمونه‌ای از رفتارهای نادرست پلیس از قول خانمی ۷۳ ساله با تحصیلات زیر دیپلم نوشته‌اند: «شوهرم تهدید کرد که امشب یا مرا می‌کشد یا خودش را. من زنگ زدم پلیس ۰۱۱ و پلیس آمد. شوهرم رفت دم در، دست به ریش شد که تو رو قرآن آبرو داریم و ... پلیس رفت! [...] من زنگ زدم از تو کمک خواستم، چرا با حرف شوهرم برگشتی؟ اگر من آن لحظه می‌گفتم گذشت کردم، بعد برو! گفتند دعوای خانوادگی است، خدا نگهدار!» (فرهنگ خشونت خانگی علیه زنان با تأکید بر نقش پلیس در کاهش آن، سهیلا صادقی فسایی، آتنا کامل قالیباف، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار ۱۹۳۱، شماره ۶۲، صص ۹۹ و ۱۰۱)

مشابه این تجربه را برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز داشته‌اند. یکی از کاربران توئیتر در این‌باره [نوشته است](#): «سال ۳۸ دوستی داشتم که همسرش کتکش می‌زد. یک بار فرار کرده بود داخل حمام و زنگ زده بود به پلیس. وقتی ماجرا را تعریف کرده بود، آقای پلیس پشت خط گفته بود: خوب اینکه طبیعیه، منم اگر عصبانی بشم دیگه یک سیلی رو به زنم می‌زنم.»

در مقاله دیگری که فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس وابسته به نیروی انتظامی ایران منتشر کرده است، نویسندگان مقاله به ضعف‌های گوناگون حقوقی و غیرحقوقی پلیس در مواجهه با خشونت خانگی پرداخته و در بخشی از گزارش خود نوشته‌اند: «مانع دیگری که در مسیر پاسخ‌دهی و تعقیب کیفری بزه‌کاران خشونت وجود دارد این است که خشونت در محیط منزل در برخی موارد به عنوان یک موضوع خصوصی و خانوادگی تلقی می‌شود که تا جای ممکن پلیس نباید به آن پاسخ و واکنشی نشان دهد.»

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

آنان اضافه می‌کنند: «شاید این رویکرد از موضع پترنالیستی [جرم‌انگاری] حاکم بر فرهنگ پلیس یا فرهنگ حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد. به هر حال و صرف‌نظر از منشا آن، این رویکرد در پلیس وجود دارد. حتی مقررات حقوق کیفری جاری نیز بر این ادعا مهر تایید می‌نهد، به گونه‌ای که عموم جرائم خشن که در منزل امکان وقوع دارند، جنبه خصوصی دارند. به عنوان نمونه فحاشی، قذف، ضرب و جرح دارای جنبه خصوصی‌اند و بدون شکایت شاکی امکان تعقیب کیفری آنها وجود ندارد. از این رو این نوع جرائم با اعلام جرم از سوی همسایگان یا اطرافیان قابل تعقیب کیفری نیست.» (پاسخ‌های پلیس به خشونت خانگی علیه بانوان، علی افراسیابی، لیلا سجادی، زمستان ۲۹۳۱، شماره ۶۱، صص ۲۴)

نکته قابل تأمل آن که در موارد متعددی از خشونت خانگی، حتی شکایت فردی که مورد خشونت قرار گرفته است (در واقع بعد از تحقق

زمینه تعقیب کیفری)، منجر به مداخله پلیس و جلوگیری از خشونت در داخل خانه نمی‌شود.

در واقع بزرگ‌ترین مشکل در این زمینه، خصوصی دانستن خشونت خانگی در قوانین و همچنین سیاست‌های پلیس است.

در کتاب راهنمای پاسخ‌های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان که توسط نهادهای وابسته به سازمان ملل تهیه شده، آمده است: «بسیاری از مقامات پلیس خشونت خانگی را» موضوعی خصوصی «می‌دانند که بهتر است پشت درهای بسته باقی بماند. این دیدگاه منجر به نگرش‌ها و سیستم‌هایی شده است که پاسخ پلیس را به حداقل می‌رساند و پاسخ‌های تخصصی به زنان قربانی خشونت را سست می‌کند.»

نویسندگان این راهنما تاکید کرده‌اند: «پلیس نقش حیاتی در پیشگیری از خشونت علیه زنان بازی می‌کند. بخشی از این نقش چگونگی پاسخ به وقایع خشونت‌بار و اقداماتی است که باید برای حفاظت از زنان بلافاصله بعد از آن اتفاق، قبل و طی محاکمه و بعد از آن اتخاذ شود.» **«کتاب راهنما در زمینه پاسخ‌های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان»** دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل، قسمت پنجم به بعد

اما واقعیت این است که رویکرد نیروی انتظامی و پلیس به خشونت خانگی در ایران، بر محور «خصوصی انگاری» این رفتارها بنا شده است و البته این نگرش نیز به دلیل حاکمیت احکام فقهی مبنی بر مجاز بودن مرد در اعمال قدرت و ولایت نسبت به همسر و کودکانش به وجود آمده و زمینه خشونت را گسترش داده است.

وقتی قانون پشت سر قربانی نمی‌ایستد

ماهرخ غلامحسین پور

فربیا می‌گوید: «افسر نگهبان احساس خوشایندی نداشت. مدام این پا و آن پا می‌کرد و می‌خواست هر چه سریع‌تر مرا با صورت کبود شده‌ام از محیط کلانتری دور کند، انگار که تلاش می‌کرد آشغال‌ها را بزند زیر فرش تا مبادا روح کسی را بیازارم. به همین دلیل هم توصیه می‌کرد، دو سه چک و مشت مختصر که این همه حیدرنعمتی نمی‌خواهد خواهرجان. برگرد خانه‌ات.»

وقتی در معرض خشونت خانگی قرار می‌گیریم، اولین ملجا و پناه، قانون است. چه می‌شود اگر قانون، خودش مروج خشونت یا توجیه‌کننده آن باشد؟

قربانی خشونتی که بعد از مراجعه به پلیس یا مراجع قضایی، به او توصیه می‌کنند: «برگرد سر خانه و زندگی ات، سرت را بیانداز پایین و زندگی ات را بکن» درگیر چه میزان از احساس ناامنی و بی‌پناهی می‌شود؟

حتی در جوامع دموکراتیکی که روح قانون، به شدت هر چه تمام‌تر در مقابل خشونت می‌ایستد و مروج خشونت نیست هم موارد متعددی از خشونت خانگی به پلیس گزارش می‌شود، با این حساب تکلیف جوامعی که قوانین خشونت‌گرا دارند، یا قربانی، از ملجا مطمئن و امن قانونی برخوردار نیست، تکلیف خشونت چه می‌شود؟

در ایران و برخی کشورهای همجوار مانند افغانستان، پاکستان و غالب کشورهای عربی، اما قوانینی وجود دارند که زمینه‌ساز خشونت خانگی اند، قوانینی ظالمانه که نگاه فرودستانه‌ای به بخشی از بدنه جامعه، خصوصا زنان و کودکان دارند و اگر زنی در مقابل این قوانین قد علم کرد، او را یاغی و دارای مناسبت‌های «غیراخلاقی» می‌دانند.

در ایران نه تنها قانون مشخص و خاصی برای قربانی خشونت خانگی وجود ندارد و موارد مراجعه‌کننده به قانون تحت لوای قانون جزای عمومی ارزیابی می‌شود، بلکه قوانینی همچون اجازه پدر برای ازدواج، اجازه همسر برای خروج از کشور، قوانین مرتبط با طلاق و حضانت، قانون ارث، قانون دیه، قانون ازدواج با دخترخوانده و مسئله به رسمیت شناختن نه سال سن برای مسئولیت کیفری دختران، بستر لازم را برای بروز خشونت خانگی فراهم می‌کنند.

«شیما قوشه»، وکیل دادگستری است که غالباً پرونده مرتبط با زنان قربانی خشونت خانگی را به عهده می‌گیرد. او در مورد خلا قانونی به نام «قانون خاص خشونت خانگی» به **ایسنا** می‌گوید:

«در مورد خشونت بر زنان قانون خاصی نداریم و در هنگام رخ دادن چنین اتفاقاتی، باید به قانون جزای عمومی مراجعه کنیم. در فرهنگ

ما همیشه از خانه به عنوان نهادی امن یاد شده و خانه همواره به عنوان جایی که امنیت خانواده را تامین می‌کند، مطرح است. به نظر من با کسی که در چنین فضایی دست به خشونت می‌زند، باید با شدت بیشتری برخورد کرد. در قانون جزا، عموماً خشونت باید اثبات شود، اما در مورد خشونت خانگی قضیه متفاوت است و نباید نیازی به اثبات داشته باشد؛ زیرا در خانه کسی برای شهادت وجود ندارد. شهادت کودکان هم عموماً مورد تایید نیست و حتی بهتر است کودکان وارد این پروسه نشوند؛ بنابراین اثبات خشونت با قوانین کنونی دشوار است. اما با نگاه ویژه به این نوع خشونت‌ها در قانون خشونت خانگی، می‌شود مسیر رسیدگی به این پرونده‌ها را تسهیل کرد.»

همه مشکل اما عدم وجود قانون خاص و مرتبط با خشونت خانگی نیست. بخشی از مشکل این است که قوانین موجود نیز زمینه‌های بروز خشونت را فراهم می‌کنند، زنان قربانی در بهترین شکلش به سکوت و مدارا و حفظ چهارچوب خانواده دعوت می‌شوند و قوانین، سنت‌ها و پلیس به عنوان بازوی اجرایی این قوانین، زنان قربانی را انکار می‌کنند.

[بیشتر بخوانید: کار با پلیس برای مقابله با خشونت علیه زنان و دختران]

«مهدی آقازمانی»، جامعه‌شناس، در گفت و گو با خانه امن بر این باور است که انتظار تلاش از سوی حاکمیت برای اصلاح بنیادین قانون، انتظاری بیهوده است.

«از آن جایی که قوانین موجود، بر پایه اصول شریعت بنا گذاشته شده‌اند، جمهوری اسلامی تلاشی برای پایه‌ریزی و سیاست‌گذاری مدون و امروزی برای قدرتمند کردن زنان و کاهش خشونت خانگی نمی‌کند.»

او روح قانون فعلی در ایران را برگرفته از روح شریعت اسلامی می‌داند: «قوانین برآمده از شریعت اسلامی، منطبق بر نیازهای مندرج در جامعه در 1400 سال پیش طراحی و تدوین شده‌اند. برخی حتی شرایط و قواعد اسلامی مندرج در فقه اسلامی را روایت و ترجمه‌ای از کتاب‌های یهودی و جریان قانون‌گذاری در جامعه یهودی با سابقه 2400 ساله می‌دانند. و طبعاً این قوانین نمی‌تواند در دنیای امروزی کارکرد مناسبی داشته باشد.»

به گفته این جامعه‌شناس: «قوانینی که در 1400 سال پیش به عنوان شریعت اسلامی تدوین شده و کماکان هم مورد استفاده قرار می‌گیرند، قوانینی برای کنترل یک جامعه بدوی، آنهم در منطقه‌ای با مختصات و فرهنگ صحرائی به نام عربستان هستند و در یک جامعه مدرن امروزی با مختصات عصر دیجیتال، هیچ همخوانی و هماهنگی ندارند.»

«نادیا» به خانه امن می‌گوید: «رئیس کلانتری نارمک، مرد چاق و قد کوتاهی بود که بین دو دندان جلویی اش فاصله داشت، مردی به نام سرگرد یحوی. مرا که روی نیمکت دید پوزخندی زد و گفت باز هم تو اینجایی؟ احساس کردم ترجیح می‌دهم بمانم و زیر ضربات شوهرم بمیرم تا با چنین تحقیری مواجه شوم.»

«زهرا روان آرام» وکیل دادگستری و مشاور مرکز دادگستری یکی از استان‌های جنوبی، از مراجعینش یاد می‌کند، قربانیانی که تحت خشونت خانگی بوده و به شدت عصبانی و دلخورند از این که قوانین دولتی به صراحت از آنها حمایت نمی‌کند.

او می‌گوید، ما در مواردی محدود قوانین مدنی حمایتگر هم داریم اما این قوانین به شدت مهجورند و با بی‌مهری مواجه شده‌اند.

او به ماده 1103 قانون مدنی اشاره می‌کند که بر اساس آن زن و شوهر به حسن معاشرت با همدیگر توصیه شده‌اند، یا قانون 1115 که به موجب آن زنی که در معرض ضرر جانی یا مالی باشد، می‌تواند خانه را ترک کرده و در عین حال هم درخواست نفقه کند.

به گفته خانم روان آرام، زن‌هایی که تحت خشونت خانگی قرار گرفته‌اند نباید به خاطر بی‌توجهی مراجع قضایی از شکایتشان دست بردارند. آنها حتماً باید در مورد اعمال خشونت پافشاری کرده و حکم دادسرا بگیرند.

به توصیه این وکیل، قربانیان خشونت خانگی نباید از تهمت خودزنی، کتک کاری به قصد دفاع و انکار همسر بهراندن چرا که تجربه نشان داده، بسیاری مردان به خشونت که مرتکب شده‌اند اقرار نمی‌کنند اما زنان می‌توانند از صوت و صدای ضبط شده همسرشان یا شهادت همسایگان در دادگاه به عنوان «اماره» استفاده کنند. اماره نوعی شهادت است که ارزش آن از شهادت رسمی کمتر است.

این مشاور توصیه می‌کند که قربانی باید تلاش کند نسبت به اتفاق افتاده تمرکز کند، هر گونه تناقض ناشی از شوک شرایط دشوار اولیه و یا ترس از حضور آزاررسان یا تهدیدهایی که آزار رسان محتملاً در راهروهای دادگاه انجام می‌دهد، می‌تواند نظر قاضی را نسبت به بروز خشونت خانگی تغییر دهد.

او اظهار خوشحالی می‌کند از این که محتوای قوانین تصویب شده در چند سال اخیر، توجه بیشتری به مقوله خشونت خانگی دارند و قانونگذار تلاش کرده تا به قوانینی عنایت کند که در مقابل خشونت خانگی راهکارهایی بیش از گذشته ارائه می‌دهند.

«گن مشکلی نیست می» پلیس رو به ما کرد و گفت:

دو سه روزی بود که حال نداشتم. خسته از فشار کار و بی حوصلگی های زندگی، گفتم یک روز بمونم توی خونه تا استراحت کنم بلکه انرژی خوبی به دست بیارم.

ساعت حدود ۱۱ بود که دیدم صدای مهبیی از طبقه بالا اومد. فکر کردم چیزی افتاد و به روی خودم نیاوردم.

بعد از چند دقیقه دیدم صدای مهبیب همین طور داره تکرار می شه و یواش یواش نگران کننده.

به سختی یک تکونی به خودم دادم و گوشهام رو تیز کردم ببینم چیزی دستگیرم می شه یا نه.

صداها تبدیل شد به صدای افتادن اشیا و شکستن و...

حالا دیگه به وضوح صدای داد و بیداد و جیغ هم شنیده می شد و خیر از یک اتفاق غیرمنتظره تو ساختمون می داد.

چندباری تو همسایگی من دعوای خانوادگی اتفاق افتاده بود، حتی زد و خورد. با وجودی که خونه من تو محله نسبتا خوبی قرار داره، اما از همسایه ها چندان دل خوشی ندارم. گفتم این بار هم مثل دفعه های دیگه خودشون آشتی می کنند و همه چیز حل می شه.

اما صداها هی بلندتر می شد و حتا خونسردی من تو مواجهه با این جور حوادث دیگه نمی تونست بر احساس نگرانی ام از وضعیت همسایه غلبه کنه.

لباسم رو پوشیدم و رفتم طبقه بالا.

چند تا از همسایه ها جمع شده بودند و پیچ می کردند. سلام کردم و پرسیدم که چه اتفاقی افتاده؟

اتفاق ظاهر ساده ای داشت. آقای همسایه مطلع شده بود که همسرش بهش خیانت کرده و درست وسط صحنه خیانت سر رسیده بود. طرف سوم رو در اتاق حبس کرده بود و وسط گریه و شیون بچه سه ساله اش، شروع کرده بود به دعوا با همسر خیانتکار. دعوا و جنجالی که به خشونت کلامی و البته خشونت جسمی هم کشیده شده بود.

حالا هم بعد از کلی زد و خورد و دعوا و شکستن و البته شکسته شدن، منتظر بود حاج آقا (اصطلاحی که مدام فریادش می زد و لابه لاش فحشی هم نثارش!) یعنی پدر همسرش بیاد و امانتی که ازش گرفته رو بهش برگردونه؛ البته با فضاحت و شرمساری.

صدای داد و بیداد و گاهی زد و خورد ساختمون رو برداشته بود. نگرانی از وقوع خسارتی جبران ناپذیرتر مجبورمون کرد که به پلیس زنگ بزنیم و کمک بخوایم. پلیس ۱۰۱ انصافا زود رسید.

یک جوان ترکه ای با ته چهره های خشک که لابد لازمه کارش هست وارد شد و پرسید چی شده. چیزهایی رو که می دونستیم گفتیم و خواهش کردیم جلوی دعوای بیشتر و یا زد و خورد رو بگیره.

رفت در زد و گفت چه خبر شده؟ مشکلی نیست؟

مرد همسایه در حالی که همچنان فحش می داد گفت مشکلی نیست. شما بیخودی اومدی. من این خانم رو تحویل پدرش می دم و خلاص!

پلیس رو به ما کرد و گفت: می گن مشکلی نیست. من کاری نمی تونم بکنم.

بهش گفتم: یه مرد اون تو اسیره. یه بچه کوچیک هم اونجاست. هر لحظه امکان داره یکی از این چهار نفر قربانی خشونت، حماقت و یا استرس بشن، باید کاری بکنی!

دوباره رفت پرسید: آقا مشکلی نیست؟ چه خبره؟

مرد همسایه دوباره همون جواب رو داد. پلیس پرسید خانمتون هم نظرش همینه؟ همسر آقای همسایه هم از پشت در گفت: بله. لطفا برید. پلیس هم عذرخواهی کرد و گفت با توجه به اینکه مجوز ورود به ساختمان رو تا وقتی کسی کمک نخواست نداره، کاری نمی‌تونه انجام بده.

پلیس رو کمی مشغول کردم تا مرد همسایه با توجه به حضورش، کمی آرام‌تر بشه. و بعد پلیس رو روونه کردم. حالا دیگه یک ساعتی گذشته بود.

آقای همسایه دیگه رمقی برای داد زدن نداشت. داشت خودش و حاجی (پدر همسرش) رو نفرین می‌کرد. اومدم توی خونه و این بار سعی کردم خودم رو به نشنیدن بزنم...

منبع: [خشونت بس](#)

خانگی و چند منبع مهم برای کار کردن با مظنونان خشونت آموزش پلیس

مترجم: میترا پهلوان

در مطلب قبلی [مراحل مقدماتی لازم برای انجام مصاحبه با قربانیان خشونت](#) و [برخورد موثر پلیس: کار با زنان خشونت دیده](#) را مرور کردیم، در این قسمت به کار کردن با مظنون خشونت خانگی و همچنین معرفی چند منبع مفید برای آموزش نیروهای پلیس اشاره می‌کنیم.

کار کردن با مظنون خشونت خانگی

نکات اصلی

- در صورتی که مظنون عصبانی است یا رفتار خشن دارد او را آرام کنید.
- بدون قضاوت یا تعصب با او صحبت کنید.
- داستان را از زبان او هم بشنوید.
- از سوال «چرا دست به خشونت زدی؟» بپرهیزید چون رفتار خشونت‌آمیز را توجیه می‌کند.
- مطمئن شوید که مظنون تحت کنترل شماست.
- به او نگوید که با همسر/شریک او صحبت کرده‌اید.
- اگر پلیس او را دستگیر کرده است به او نگوید که چه کسی با پلیس تماس گرفته است.
- اجازه ندهید که مظنون چیزی به شما دیکته کند.
- به او بگوید که دستگیری او تصمیم پلیس است و نه قربانی.
- به مظنون جرمی که مرتکب شده است را توضیح دهید.
- وارد مسایلی که مربوط به پرونده خشونت نیست نشوید.

راهنمای مصاحبه

- خوش آمد گویی.
- آیا می‌توانید در مورد اتفاقی که بین شما و شریکتان اتفاق افتاده صحبت کنید؟
- آیا قبلا هم اتفاق افتاده بود؟

- آیا از جرمی که انجام داده‌اید آگاهی دارید؟ (برای مظنون اتهاماتش را توضیح دهید.)
- اگر پرونده مورد پیگرد قانونی قرار نمی‌گیرد، برای مظنون کارهایی که انجام می‌شود را توضیح دهید (تعهد کتبی گزارش به مقامات بالاتر).
- به متهم بگویید که خشونت علیه زنان تحمل نمی‌شود.
- آیا مایل هستید که به مشاور مراجعه کنید؟ لیست مراکز موجود را به او بدهید.

کتابچه‌ای در مورد واکنش‌های موثر پلیس در برابر خشونت علیه زنان طراحی شده است که شامل آشنایی با قوانین بین‌المللی مربوطه، استانداردها و باورهای رایج مربوط به خشونت علیه زنان، و بیان راه‌های نویدبخش برای واکنش به خشونت علیه زنان است. این کتابچه استراتژی‌ها و روش‌ها و نمونه‌های عملی که به پلیس برای بالا بردن امنیت زنان در جامعه کمک کرده است را بررسی می‌کند.

ابزارهای مهم

واکنش به خشونت خانگی: کتابچه‌ای برای پلیس اوگاندا

این کتابچه اطلاعات مقدماتی در مورد مساله خشونت خانگی به عنوان نقض حقوق بشر را در بردارد. علاوه بر آن راهنمایی برای چگونگی مصاحبه با قربانیان و کودکانی که قربانی و شاهد خشونت خانگی بوده‌اند و نیز عاملان خشونت خانگی را شامل می‌شود.

Available in [English](#)

استراتژی‌ها و اقدامات عملی برای از بین بردن خشونت علیه زنان در حوزه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری. در سال ۲۰۰۲ استراتژی‌ها و اقدامات عملی به نسخه مربوط به سال ۱۹۹۱ اضافه شد و راه‌های جدید و ابزار جلوگیری و راهکارهای عملی برای مبارزه با خشونت علیه زنان نیز در نظر گرفته شد.

Available in [English](#).

پایان خشونت خانگی: دستورالعمل‌های گام به گام. این دستورالعمل با هدف ایجاد

راهنمای گام به گام برای محافظت زنان در برابر خشونت خانگی برای کارکنان تهیه شده است. و به آنها

چگونگی کمک به قربانی از زمان مراجعه تا تهیه پرونده قضایی یاری می‌رساند. این دستورالعمل به زبان ساده برای افراد غیر حقوقدان و بر اساس اطلاعات و کلا و اقدامات عملی صورت گرفته نوشته شده است. این مرجعی ضروری برای آموزش کارکنان است تا آنها بتوانند قانون را به درستی اجرا کنند. این دستورالعمل می‌تواند مورد استفاده پلیس، کانون‌های حمایتی، مراکز بهداشتی، خانه‌های امن و گروه‌های مردمی که در حوزه خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند و همچنین زنانی که به دنبال راه حل حقوقی هستند قرار گیرد.

Available in [English](#).

ارتقا اجرای قانون در پاسخ به قربانی. این برنامه یکی از سه مرجع در برنامه استراتژیک برای مجریان قانون و قانون‌گزاران است. این برنامه شامل بازبینی اهداف، زمان بندی‌ها و توضیح مراحل کار، مثال‌هایی از برنامه‌های عملی، توافقات همکاری، قوانین و مراحل پاسخگویی به قربانیان، دخیل کردن کارکنان و استخدام کسانی برای ارزیابی عملکرد، کتاب‌ها و وسایل آموزشی (بروشور، خبرنامه و وبسایت‌های مربوط به قربانیان)

Available in [English](#).

توصیه‌های امنیتی و اخلاقی سازمان بهداشت جهانی برای تحقیق؛ مستندسازی و نظارت به سواستفاده جنسی در مواقع بحرانی. توصیه‌ها برای کسانی تهیه شده است که در برنامه‌ریزی، هدایت، تامین بودجه،

طراحی پروتکل، کسانی که تهیه و ارزیابی اطلاعات راجع به خشونت جنسی در سازمان‌هایی با بشردوستانه دخالت دارند. این شامل محققان، طراحان و برنامه‌ریزان پروژه، خیرین، کمیته‌های نظارت بر اخلاق،

مدیران و کارکنان سازمان‌های حقوق بشری و کمک‌های بشردوستانه، تمام کارکنانی که در فرایند تحقیق‌های مربوط به خشونت جنسی شرکت دارند (مترجمان، کارکنان جمع‌آوری داده، راننده‌ها و دیگران).

Available in [English](#).

استراتژی‌های تحقیقاتی در گزارش‌های تجاوز جنسی: این راهنما و استراتژی‌های مصاحبه براساس بهترین روش‌ها برای تحقیقات در پرونده‌های تجاوز جنسی در آمریکاست و با همکاری مجریان قانونادستان ها ، وکلا و متخصصان پزشکی و جرم‌شناسی تهیه شده است. هدف این راهنما آماده سازی موفق ماموران و سازمان ها برای پرونده‌های تجاوز جنسی در تمام مراحل نظیر مستندسازی جزئیات، تحقیقات که شامل نوشتن گزارش، مصاحبه با قربانی، بازجویی مظنون، تحقیقات و صحبت با افرادی که در معرض آسیب هستند، می باشد.

Available in [English](#).

توصیه‌های امنیتی و اخلاقی سازمان بهداشت جهانی در مورد مصاحبه با زنان قربانی قاچاق انسان

این گزارش مرجعی برای محققان، رسانه‌ها و کسانی که کمک‌رسانی می‌کنند اما تجربه کمی در مورد

کار با زنان قربانی قاچاق انسان دارند می‌باشد. این توصیه‌ها باید به همراه ده استاندارد اولیه برای مصاحبه با قربانی به کار برده شود. توضیح این استانداردها و پیشنهادهایی برای اجرای آنها در گزارش موجود است.

in [Armenian](#), [Bosnian](#), [Croatian](#), [English](#), [Japanese](#), [Romanian](#), [Russian](#), [Spanish](#) and [Serbian](#).

راهنمای گام به گام تحقیق در مورد قاچاق انسان. این راهنما به عنوان بخشی از < برنامه تغییرات پلیس > در بنگلادش می‌باشد. و برای کمک به نیروهای پلیس در واکنش به قاچاق انسان طراحی شده است.

Available in [English](#) and [Bengali](#).

زنان را در اولویت قرار دهید: توصیه‌های امنیتی و اخلاقی برای تحقیق در مورد خشونت خانگی بر علیه زنان

این راهنما برای محققان و فعالانی است که در مورد قربانیان اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند. و شامل توصیه‌هایی برای هدایت مصاحبه‌هایی که نیروهای حرفه‌ای مانند پلیس انجام می‌دهند می‌باشد.

in [English](#), [French](#) and [Spanish](#).

خشونت خانگی، کمپین‌های موفق

See blow for photo sources

ترجمه: نرگس ثابتی

در مطالب قبلی درباره [راه‌اندازی انجمن‌های پلیس اجتماعی](#) و [مکانیسم‌هایی برای مشارکت اجتماعی](#)، [گفتمان و پیشرفت](#) گفتیم.

نمونه‌های موفق: گارد حفاظت محلی پروتکلی برای پاسخ به خشونت علیه زنان تدوین می‌کنند (روساریو، آرژانتین)

گارد حفاظت شهری شهرداری در روساریو (آرژانتین) یک نیروی پلیس غیرمسلح است که در سال 2004 راه‌اندازی شد و از مردان و زنان جوانی تشکیل شده که با اعضای جامعه و مراجع محلی در ارتقاء امنیت در اماکن عمومی مانند پارک‌ها، خیابان‌ها و مناطق تفریحی همکاری می‌کنند. در سال 2008، این گارد، مراجع محلی، نمایندگان زنان و نمایندگان امور اجتماعی و گروه‌های حمایت از قربانیان خشونت به طور مشترک پروتکل پاسخ به قربانیان خشونت علیه زنان را براساس آموزه‌های پلیس محلی و مسوولان شهر فونل‌آبرادا (Fuenlabrada) در اسپانیا که قبلاً پروتکل اجتماعی مشابهی را تنظیم کرده بود، تنظیم و تدوین کرد. کل مطالعه موردی درباره تجربه گارد حفاظت شهری شهرداری را مطالعه کنید.

• دفترچه راهنمای گارد شهری شهرداری (CISCSA - زنان و شبکه زیستگاه، 2008). این منبع مرتبط با پلیس اجتماعی آرژانتین نتیجه

آموزش‌های متعدد پلیس محلی درباره خشونت علیه زنان در شهرها است. این راهنما دارای چهار بخش است:

(1) خشونت شهری و خشونت علیه زنان؛

(2) بی اساس خواندن افسانه‌ها و عقاید خرافی درباره خشونت علیه زنان در شهر؛

(3) کنوانسیون‌های بین‌المللی، قوانین ملی و استانی؛

(4) توصیه‌ها و اقدامات ضروری؛ همچنین این راهنما شامل یک واژه‌نامه و فهرست اصطلاحات و نیز یک پیوست منابع سازمانی و اجتماعی برای پاسخدهی به خشونت علیه زنان در روساریو می‌باشد. علاوه بر راهنمای نظری، هر بخش شامل تمرینهای عملی برای انعکاس و تحلیل می‌باشد که جهت ارزیابی این آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- برگزاری جلسات منظم بین رهبران جامعه - منتخب و سنتی - و پلیس: در بسیاری مواقع، قربانیان خشونت و خانواده‌های ایشان که ممکن است مایل باشند که رهبران منتخب یا سنتی جامعه در پرونده‌های خشونت خانگی و جنسی دخالت کنند یا وارد شوند. همکاری پلیس با رهبران سنتی برای ارتقاء حقوق انسانی زنان و دختران در این فرایندها و نیز تضمین این که قربانیان از فرصت گزارش‌دهی به پلیس برخوردارند و به دیگر مراجع مناسب طبق قانون دسترسی دارند، ضروری است.

- هدایت فعالیت‌های توسعه و ارتباط با جوامع، به ویژه مردان و پسران: هم پلیس و هم سازمان‌های محلی می‌توانند فعالیت‌های توسعه مهمی را برای جمعیت‌های مختلف به ویژه مردان و پسران ترتیب دهند، تا آگاهی ایشان از حقوق بشر و مسائل مربوط به تساوی جنسیتی را افزایش دهد و مباحث مربوط به پیشگیری از و واکنش در برابر خشونت جنسیتی را مطرح سازند.

این فعالیت‌ها می‌توانند اعتماد به پلیس را افزایش دهند و نیز می‌بایست تضمین کنند که اعضای جامعه و سازمان‌ها از مسوولیت‌های پرسنل امنیتی مربوط به این مسئله کاملاً آگاهی دارند. اولویت‌های اصلی برای ارتباطات و افزایش سطح آگاهی توسط پلیس عبارتند از

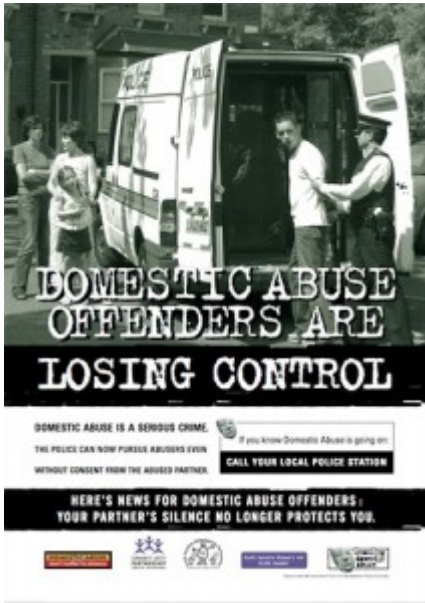
- فعالیت‌های لازم برای افزایش سطح آگاهی در رابطه با قوانین و سیاست‌های موجود
- کمپین‌های محلی با بازیگران اصلی جامعه مدنی درباره اشکال مختلف خشونت (برای مثال، خشونت خانگی، قاچاق انسان، تعرض جنسی/تجاوز، آزار و اذیت جنسی در فضاهای عمومی)
- اطلاعات مربوط به دلیل و فرایند گزارش خشونت‌ها به پلیس (چرا، کجا و چگونه) و نیز اطلاعات مربوط به مسیر ارجاع موضوع به مراجع محلی.
- فعالیت‌های خاص مدارس برای پیشگیری از خشونت در همکاری با وزارت آموزش و پرورش؛
- ترجمه پروتکل‌ها و فرایندهای پلیس و نظامی به زبانهای لازم و نصب آنها در ایستگاههای پلیس در نقاط مناسب، همراه با یک برنامه ارتباط و آموزش؛
- نصب پروتکل‌ها و فرایندهایی که به تعامل با جامعه مربوط می‌باشند به نقاط در معرض دید و نیز نقاطی با سطح بالای تعامل بین پلیس و مردم (پارک‌ها، میدانها، بازارها و غیره) همراه با یک کمپین اطلاع‌رسانی عمومی.

نمونه‌هایی از لوازم و اطلاعیه‌های افزایش سطح آگاهی درباره نقش پلیس



(ترجمه شکل: خشونت خانگی یک جرم است. مأموران آموزش دیده ما آماده اند گزارش شما را بسیار جدی و سریع ثبت نمایند.)

منبع: [Preventing Violence against Women Communication Materials](#).



ترجمه داخل شکل: پلیس عنان اختیار را از مجرمان خشونت خانگی می گیرد. خشونت خانگی یک جرم جدی است. اکنون پلیس حتی بدون نیاز به شکایت قربانی، آزارگر را دستگیر می کند.

اگر از مورد خشونت خانگی اطلاع دارید با ما تماس بگیرید.

یک خبر مهم برای مجرمان خشونت خانگی: سکوت شریک زندگی شما دیگر از شما محافظت نمی کند.

منبع: [South Ayrshire Multi-Agency Partnership to prevent Violence against Women](#)

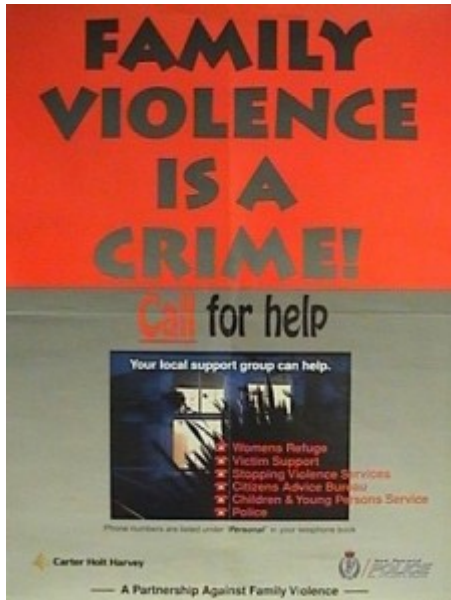
نمونه های موفق: کمپین خشونت خانوادگی پلیس نیوزیلند

از سال 1993 تا 1995 پلیس نیوزیلند، در همکاری با Communicadolo، یک کمپین آگاهسازی عمومی را برای تغییر طرز تفکر عمومی در جامعه بزرگتر و تأکید بر اینکه خشونت خانوادگی تنها یک مسئله "خانگی" نیست، بلکه جرمی است که نیازمند واکنش فوری، از جمله کمک خواستن از دیگران است، راه اندازی شد.

یک هدف دیگر این کمپین ایجاد تغییر در فرهنگ داخلی پلیس بود که به طور سنتی، به جای اینکه پلیس مسوولیتی را بر دوش مجرم قرار دهد و اقداماتی برای تضمین امنیت زنان و کودکان در برابر جنایتکاران و مجرمان انجام دهد، جدیت تماس های مربوط به خشونت خانگی را هر چه بیشتر کاهش داد. هدف از این کمپین پوشش چهار گروه مختلف بود: زنانی که خشونت را تجربه می کنند، مجرمان/مجرمان بالقوه، شاهدان خشونت خانگی، و پلیس، با اهداف زیر:

- تشویق گزارش دهی یا کمک خواستن از سوی زنان و کودکانی که خشونت را تجربه می کنند - و نیز افرادی که شاهد آزار و اذیت هستند.
- بازداشتن مجرمان و مجرمان بالقوه از مبادرت به رفتارهای آزارگرانه یا ادامه چنین رفتارهایی، و تشویق ایشان به ثبت نام در گروه های تغییر رفتار مردان.
- افزایش اجرای قوانین مربوط به خشونت خانگی توسط پلیس.

علاوه بر پیام اصلی کمپین یعنی «خشونت خانوادگی یک جرم است» از پلیس کمک بگیرید»، پیام های ویژه ای هم برای گروه های اصلی طراحی شد، از جمله برای پلیس (خشونت خانوادگی در خانه می تواند منجر به نتایج جدی شود که در هر بستر دیگر برخوردی بسیار شدید را می طلبد - مثلاً قتل). رویکردهای مورد استفاده این کمپین به شرح زیر است:



ترجمه متن داخل شکل: خشونت خانگی یک جرم است. برای کمک با پلیس تماس بگیرید.

- رسانه‌های جمعی: 3 مستند در تلویزیون ملی و در ساعات پربیننده؛ 2 سری تبلیغ تلویزیونی (جمعاً 14 تبلیغ)؛ 2 نماهنگ؛ آگهی‌های چاپی؛ پوستر؛ نصب علائم و تابلوها در استادیوم‌های ورزشی و اتوبوس‌ها.
- مداخلات اجتماعی که هم پلیس و هم ادارات غیردولتی را به کار می‌گیرند، از جمله در راه‌اندازی خط تلفن بدون هزینه جهت درخواست کمک (0800) همراه با پخش مستندهای مرتبط.
- افزایش ظرفیت و تلاش‌های سازمانی برای به چالش کشیدن نگرش و رفتار نیروهای پلیس درباره این موضوع، از جمله آگهی‌ها، نشریه‌های داخلی، تغییر در سیاست‌ها و خط مشی‌ها (برای مثال صدور اجازه برای دستگیری بدون نیاز به شکایت زنان قربانی) و آموزش.

یک بررسی روی کمپین مذکور زمینه‌های اصلی تغییر را بدین شرح شناسایی کرد:

- سطح آگاهی کمپین رشد بسیار خوبی داشت (92% تا اواخر سال 1995)، و دو-سوم افرادی که با کمپین در تماس بودند اظهار داشتند که این کمپین روی رفتار ایشان با خانواده تأثیر گذاشته است.
- خط تلفن مذکور هزاران تماس را ثبت کرده که بیشتر آنها از سوی قربانیان بوده است، اما برخی هم از سوی شاهدان انجام گرفته است (28% از زمان راه‌اندازی خط پس از پخش اولین مستند). تقریباً نیمی از تماس گیرندگان اعلام کردند که این اولین باری بوده که راز تجربه خشونت خانگی خود را برملا کرده‌اند.
- خدمات زنان افزایش قابل ملاحظه‌ای را در استمداد از سوی زنان گزارش داد.
- پلیس از رشد 44 درصدی ضرب و جرح زنان توسط مردان از سال 1993 تا 1994 و کاهش اندک این جرائم از 1995 تا 1996 خبر داد.
- تعداد مردانی که خود به دنبال استمداد در مورد خشونت‌های خانگی به این کمپین مراجعه کردند 50% افزایش داشته و ارجاع از سوی قضات دادگاه‌ها نیز دوبرابر شده است. پس از پخش مستند دوم، مردان 27% از تماس گیرندگان این خط را تشکیل می‌دادند.
- در 6 سال پیش از راه‌اندازی کمپین، هر ساله به طور متوسط 14 زن توسط مردان شریک زندگی خود به قتل می‌رسیدند. این رقم در سال اول به 10، در سال دوم به 9 و تا سال 1996 به 7 کاهش یافت.

این ابتکار یک نمونه منحصر بفرد از یک کمپین راه‌اندازی شده توسط پلیس بوده و جوایز متعدد ملی و منطقه‌ای را به خود اختصاص داده است، و اسناد و مواد اطلاع‌رسانی و رسانه‌ای آن جهت استفاده کمپین‌های بعدی در استرالیا مورد استفاده قرار گرفته است. اقتباس از: [VicHealth Review of Communication Components of Social Marketing/Public Education Campaigns Focusing on Violence against Women.](#) VicHealth. Melbourne.

<http://www.endvawnow.org/en/articles/1097-mechanisms-for-community-engagement-dialogue-and-utreach.html?next=1098>

برخورد موثر پلیس: کار با زنان خشونت دیده

مترجم: میترا پهلوان

در مطلب قبلی مراحل مقدماتی لازم برای انجام مصاحبه با قربانیان خشونت را مرور کردیم، در این قسمت به قوانین اصلی و راهنمای مصاحبه می‌پردازیم.

قوانین اصلی

به او اطمینان دهید که او مسول خشونت نیست.

به او بگویید هیچ توجیهی برای خشونت وجود ندارد.

به او اطمینان دهید که از او حمایت می‌کنید.

قوانین حفظ اسرار را رعایت کنید.

اگر توانایی انجام کاری را ندارید به او قول ندهید.

مصاحبه را به صورت خصوصی انجام دهید و اجازه ندهید کسی در مورد پرونده نظر دهد.

راهنمای مصاحبه

به مراجع خوش آمد بگویید و خود را معرفی کنید. توضیح دهید که از او سؤالاتی راجع به پرونده اش خواهید کرد.

چه چیز باعث شد که امروز به اینجا بیایید؟

آیا قبلاً هم تجربه خشونت در رابطه‌تان داشته‌اید؟

آیا مظنون تا به حال شما تهدید به صدمه زدن یا کشتن کرده است؟

آیا خود را در معرض خطر می‌بینید؟ اگر آری به راهنمای بررسی ریسک مراجعه کنید.

آیا کسی هم در زمان وقوع حادثه علاوه بر شما کسی حضور داشت؟

آیا در مورد حادثه به کسی خبر داده‌اید؟ فامیل، والدین مرد، مراکز مشاوره محلی؟

چه کمک‌هایی از پلیس انتظار دارید؟

اگر به خانه بازگردید احساس امنیت می‌کنید؟

آیا ممکن است خشونت‌گر دوباره دست به خشونت بزند؟ در این صورت برای امنیت‌تان چه کاری انجام می‌دهید؟

آیا اطلاعات دیگری در مورد خطری که شما را تهدید می‌کند دارید که بخواهد پلیس را مطلع کنید؟

در مورد راه‌های پیش روی مراجع توضیح دهید (راه‌های مثل اخطار کتبی به مظنون، دستگیری مظنون، مراجعه به دادگاه...) برای مراجعه، شرایط لازم و پیامدهای هر کدام را توضیح دهید.

آیا مایل‌اید به مشاوره یا پزشک مراجعه کنید؟ به مراجع لیست محل‌های موجود را بدهید و تمام گزینه‌ها را برایش توضیح دهید.

توضیحاتی که در مورد حادثه نوشته‌اید را در اختیار مراجع قرار داده تا آن را بخواند اگر نمی‌تواند بخواند خودتان متن را بخوانید و از او سوال کنید که آیا مندرجات در مورد حادثه و درخواستش صحیح است یا نه؟

مراحل بعدی که انجام خواهد شد را برایش توضیح دهید و از او بپرسید که آیا با آنها موافق است یا نه.

در مطلب بعدی درباره کارکردن با مظنون خشونت خانگی بخوانید.

برخورد موثر پلیس با زنان قربانی خشونت: انجام مصاحبه

Photo:Kasia Bialasiewicz/Bigstockphoto.com

مترجم: میترا پهلوان

در این نوشته مراحل لازم برای انجام مصاحبه با قربانیان خشونت را مرور می‌کنیم.

مصاحبه با قربانیان خشونت شامل مراحل زیر است:

برنامه‌ریزی و آماده سازی

• مکان مناسب برای مصاحبه انتخاب کنید:

قربانی باید تصمیم بگیرد که آیا با انجام مصاحبه در اداره پلیس راحت است یا در مکانی دیگر مانند: خانه‌اش در صورتی که امن باشد، بیمارستان و یا مراکز حمایتی. برای انجام مصاحبه در مرکز پلیس باید مکانی خصوصی با فاصله‌ای از متهم در نظر گرفته شود. برای مصاحبه از اتاق بازجویی نباید استفاده شود چون زن یا دختر مصاحبه شونده قربانی است و نه متهم.

• کسانی دیگری هم در مصاحبه می‌توانند شرکت کنند.

یک مامور آموزش دیده (ترجیحاً زن، بستگی به مورد خشونت متفاوت باشد) باید مصاحبه را مدیریت کند. با موافقت قربانی، مامور دیگری هم می‌تواند به زن یا دختر قربانی در جریان مصاحبه کمک کند.

• سوال‌ها را از قبل آماده کنید

پرسنل باید سوال‌ها را بر اساس پروتکل موجود تهیه کند و یا راهنمای طرح پرسش که از طریق آن با حساسیت جزئیات مربوط به حادثه مشخص شوند (چه کسی، چه چیزی، چگونه، چه زمانی، چه مکانی).

برای قربانی توضیح دهید.

مقدمه: به عنوان مقدمه، افسر باید خود را برای قربانی معرفی کند.

قوانین مصاحبه: مراحل مصاحبه باید برای قربانی توضیح داده شود و رضایت زن یا دختر قبل از شروع مصاحبه باید کسب شده باشد تا مطمئن شویم که قربانی مشکلی با توضیح دادن در مورد حادثه ندارد و از مراحل بعدی مطلع می‌باشد.

بخش اصلی

در ابتدا مامور باید به قربانی اجازه دهد که در مورد حادثه و تمام وقایعی که احساس می‌کند به حادثه مربوط است توضیح دهد، بدون قطع کردن صحبت‌های قربانی. باید زن یا دختر قربانی ترغیب شود تا تمام اتفاقاتی که افتاده است را به صورت کامل تعریف کند و زمان کافی برای این کار باید به او داده شود و مامور باید با دقت این اظهارات را ثبت کند.

سوال های کلی: بعد از توضیحات قربانی، مامور می‌تواند در مورد جزئیات بیشتر یا روشن شدن توضیحات سوال بپرسد (سوالاتی مانند: «در مورد .. به من بگو»، «بعدش چه اتفاقی افتاد؟»، «در مورد ... چه چیزهای دیگری به یاد داری؟»)

سوال های جزئی: سوال‌هایی که با «بله» و «خیر» جواب داده می‌شوند می‌توانند قسمت‌های جا مانده در توضیحات قربانی را تکمیل کند.

قسمت پایانی

- مراحل بعدی پیگیری: قربانیان باید از راه‌های دیگر حمایتی آگاه شوند (پزشکی، روانی، خانه‌های امن و مشاوره حقوقی) و هر جا که ممکن بود پلیس باید دسترسی قربانی به این امکانات را تسهیل کند (انتقال قربانی به مراکز حمایتی، دسترسی به وکیل). در موارد خشونت خانگی، قاچاق انسان، ازدواج اجباری و جرایم ناموسی باید قبل از پایان مصاحبه، موارد امنیتی در صورت بروز دوباره خشونت بررسی شود.
- جمع‌بندی: قبل از جمع‌بندی، مصاحبه کننده باید آخرین فرصت را به قربانی بدهد تا هرگونه اطلاعات اضافی یا سوال در مورد مراحل بعدی دارد را مطرح کند. اقداماتی که پلیس پیگیری خواهد کرد را باید به اطلاع قربانی رساند (تا انتظاراتی بیش از حد توانایی پلیس ایجاد نشود). در پایان مصاحبه کننده از قربانی به خاطر شرکت در مصاحبه تشکر کند.

ارزیابی

یک نفر یا یک گروه باید مصاحبه را بررسی کنند تا اقدامات بعدی شناسایی شوند. نکات جدید که در مصاحبه با آن برخورد کرده‌اند باید برجسته شده و اگر نیاز به بازبینی مجدد مراحل مصاحبه بود برای آن برنامه‌ریزی شود.

مثال عملی: پروتکل پلیس اوگاندا و مراحل قانونی برای مواجهه با قربانیان و مظنونان.

قوانین اصلی برای مواجهه با پرونده‌های خشونت خانگی:

صحبت با قربانی و مظنون به صورت جداگانه.

اطمینان دادن به قربانی در مورد محرمانه نگاه داشتن اطلاعاتش.

به مظنون منبع اطلاعات معرفی نشود.

با دقت و آرامش به قربانی گوش دهید.

از قضاوت کردن یا نتیجه‌گیری خودداری کنید.

به قربانی کمک کنید که تمام ابعاد قضیه را در نظر گرفته و گزینه‌های امنیتی برای خودش و کودکانش را در نظر بگیرد.

به او کمک کنید تا ریسک‌های موجود را بررسی کند.

کمک‌ها موجود برای زنان خشونت دیده را به او معرفی کنید.

او را به مراکز حمایتی دیگر معرفی کنید.

در قسمت بعد درباره [کار با زنان خشونت‌دیده بخوانید](#).

مکانیسم‌هایی برای مشارکت اجتماعی، گفتمان و پیشرفت

گروه‌ها و سازمان‌های مردم- نهاد زنان می‌توانند پل‌های مهمی بین کارکنان بخش امنیتی و مردم باشند. طراحی مکانیسم‌هایی برای مشورت و همکاری با این گروه‌ها می‌تواند به بهبود واکنش پلیس علیه خشونت علیه زنان کمک کند و در این میان، کمک‌های سازمان‌های مردم- نهاد نقش ویژه‌ای به عهده دارد. از جمله این کمک‌ها می‌تواند به موارد زیر اشاره کرد:

- ارائه پاسخ اولیه به قربانیان خشونت (برای مثال حمایت اجتماعی سریع، حفاظت، سرپناه، کمک‌های پزشکی و درمانی پایه، و مشاوره درباره آسیب‌های وارد شده)، و سپس کمک به زنان برای تماس با پلیس یا همراهی با ایشان در اداره پلیس محلی. این سازمان‌ها می‌توانند زنان و دختران را به خدمات حمایتی دیگر ارجاع دهند یا همچنان از جمله از طریق تأمین مساعدت‌های حقوقی به حمایت فعال از ایشان از طریق فرایند دادخواهی و التیام ادامه دهند.

در مواردی که زنان خانه و اجتماع خود را ترک می‌کنند، معمولاً سازمان‌های جامعه مدنی هستند که از بازگرداندن قربانی به جامعه یا صحنه‌های جدید اجتماعی حمایت می‌کنند.

- کمک به نهادهای اطلاعاتی محلی برای شناسایی جرایم، نوع و محل خطرات بالقوه امنیتی که به ویژه زنان و دختران را تهدید می‌کنند.
- ارائه اطلاعات مربوط به نقش پرسنل هماهنگ در پیشگیری از خشونت و حمایت از قربانیان، که به ویژه در موقعیت‌هایی دارای اهمیت است که پس از یک دوره درگیری، بی‌توجهی یا اقدام توهین‌آمیز پلیس، اعتماد به پلیس کاهش یافته است.
- اجرای نقش مهم نظارت بر کار پلیس برای اطمینان از عمل‌کرد مناسب آن در پیشگیری از خشونت و واکنش در برابر آن، و نیز اطمینان از اینکه هر گونه آزار و اذیت توسط پرسنل پلیس حتماً مورد پیگیری قرار می‌گیرد. اغلب سازمان‌های زنان از ارتباط خوبی با یکدیگر برخوردارند و می‌توانند به ایجاد پیوندهای مهم و اساسی بین جوامع و گروه‌های مشاوره در سطوح منطقه‌ای و ملی، کمک کنند.
- تقویت دانش و ظرفیت پلیس جهت رسیدگی به خشونت جنسیتی (برای مثال، با تسهیل توسعه آموزش جنسیتی و/یا برگزاری کلاس‌های آموزشی برای پلیس و پرسنل نظامی).
- تسهیل مالکیت محلی و آگاهی اجتماعی از اقدامات پلیس و افزایش آگاهی پلیس از فرصت‌های موجود برای مشارکت با جوامع.
- ارائه مشاوره و مساعدت با تلاش‌هایی در جهت افزایش نمایندگی زنان و موضوعات جنسیتی در موسسات امنیتی.

رویکردهای مختلف و مکانیسم‌های خاصی که می‌توان برای افزایش مشارکت و گفت‌وگو بین پلیس و سازمان‌های اجتماعی و حامیان این عرصه اختیار کرد به شرح زیر می‌باشد (Barnes and Albrecht, 2008):

- ایجاد شوراهای امنیت جامعه محلی یا [پیشگیری از] خشونت علیه زنان، که مستلزم وجود نمایندگان بخش‌های مختلف جامعه از جمله سازمان‌های زنان، و نیز پلیس، است و دستورات ویژه‌ای در کاهش خشونت علیه زنان و دختران دارد.

چنین جمعیت‌هایی می‌توانند به عنوان انجمن‌های مهمی برای اشتراک اطلاعات و دیدگاه‌ها درباره چگونگی بهبود امنیت اجتماع عمل کنند، مثلاً با انجام ارزیابی از امنیت و ایمنی در جامعه؛ افزایش آگاهی و ارائه آموزش مناسب (برای مثال گشت‌های امنیت غیررسمی آموزش پلیس در باب چگونگی واکنش به حوادث خشونت‌بار)؛ و حامیان محلی که آگاهی و دانش پلیس درباره آداب و رسوم محلی را افزایش می‌دهند.

• نمونه‌هایی از شوراهای امنیت محلی و طرح‌های امنیت شهروندی

در کشور پرو، پارلمان یک نظام ملی امنیت شهروندی را تدوین کرده تا اقدامات مشارکتی محلی جهت پیشگیری از جرم و جنایت را بهبود بخشد و پاسخگو بودن و مسوولیت‌پذیری پلیس در برابر جوامع را افزایش دهد. این نظام با تشکیل هیأت‌های محلی امنیت شهروندی، به موسسات محلی متکی است.

در این هیأت‌ها، فرماندهان پلیس محلی با مراجع رسمی و نمایندگان جوامع در زمینه پیشگیری از جرم همکاری می‌کنند. این هیأت‌ها مکانیسم‌هایی از پایین به بالا هستند که پلیس را در برابر رفتارهای خود و کیفیت خدمات خود پاسخگو می‌کند و راهی مهم برای مشارکت جامعه در مسائل امنیتی را باز می‌کند. وظیفه آنها این است که یک برنامه امنیت شهروندی در سطح شهرداری (شهری) و براساس ارزیابی مسائل ایمنی و امنیتی، طراحی کنند. این طرح امنیتی با بسیج همکاری و منابع محلی اجرا می‌شود. هیأت‌های مذکور همچنین مسوولیت بررسی تأثیر این طرح و نظارت بر عملکرد کارمندان دولتی مجری طرح، از جمله پلیس، را نیز بر عهده دارند.

در شیلی، کلمبیا و گواتمالا نیز نهادهای مشابهی مانند هیأت‌های امنیت محلی تأسیس شده‌اند. در کلمبیا، اعضای هیأت محلی شامل

نمایندگان پلیس و فرماندهان نظامی، شهردار و نمایندگان دانشگاهی و بخش خصوصی می‌باشند. (Barnes, K. and Albrecht, P., (2008), 'Civil Society Oversight of the Security Sector and Gender - Tool 9', Gender & Security Sector Reform Toolkit, Geneva: DCAF, OSCE/ODIHR, UN-INSTRAW).)

در **هاییتی**، یک برنامه زنان سازمان ملل با بودجه DFID (وزارت توسعه بین‌الملل: وزارتخانه‌ای در انگلیس که وظیفه آن توسعه خارج از کشور است) در 9 جامعه مختلف کار می‌کرد تا نقش زنان در اقدامات انجام شده در سطح جامعه را ارتقا دهد و در نتیجه خشونت علیه زنان را مورد بررسی قرار داده و امنیت جامعه را بالاتر ببرد. در هر جامعه، این برنامه سازمان‌های زنان را برای تأسیس شوراهای امنیت محلی مورد حمایت قرار داد. این شوراها نمایندگان از تمامی بخش‌ها از جمله دولت محلی، پلیس، قوه قضاییه، آموزش و پرورش، بهداشت، کلیسا، و سازمان‌های زنان را در خود دارند. نقش آنها بحث درباره نیازهای امنیتی زنان، افزایش آگاهی درباره خشونت علیه زنان و بهبود پاسخگویی و مسوولیت‌پذیری تأمین‌کنندگان خدمات محلی (از جمله پلیس) به عنوان حلقه‌ای از شبکه اجتماعی مربوطه است. نتایج اولیه نشان می‌دهد که این شوراها نقش مهمی در افزایش اعتماد به پلیس در رابطه با حوادث خشونت‌آمیز بازی می‌کنند (Sprao, H. 2011; McLean Hilker, L. 2009).

مرکز زنان **وانواتو** (کشوری در اقیانوس آرام: Vanuatu) شوراهایی علیه خشونت نسبت به زنان را تأسیس کرده که نقش مهمی را در ارتقای آگاهی جامعه و مشاوره در رسیدگی به این مسئله و نیز حمایت از زنان در مناطق روستایی، بازی می‌کند. این شوراها متشکل از زنان و مردان برجسته جامعه - در برخی موارد افراد مسن تر، رؤسا و پرستاران و بهیاران روستا - می‌باشند و با پلیس و قوه قضاییه هم همکاری دارند. این شوراها از سوی مرکز زنان **وانواتو** از نظر سواد حقوقی و مهارت‌های مشاوره تحت آموزش قرار می‌گیرند. شواهد نشان می‌دهد که این شوراها سطح آگاهی جامعه درباره خشونت علیه زنان را بالا برده و باعث می‌شود که پوشش رسانه‌ای درباره این مسئله افزایش یافته و موارد جرم و جنایت جنسیتی هر چه بیشتر در دادگاه‌های سنتی و رسمی مطرح شود و تحت پیگرد و رسیدگی قرار گیرد (AusAid (2008); AusAid website; AusAid (2009) Vanuatu Country Report).

منبع: [زنان سازمان ملل](#)

- در مطلب بعدی به راه اندازی انجمن‌های پلیس اجتماعی و نمونه‌های از این مدل در کشورهای مختلف می‌پردازیم.